

ابعاد فقهی جهیزیه و تطبیق آن با حقوق ایران و افغانستان

زکیه احمدی^۱

چکیده

در بسیاری از جوامع و خانواده ها، زن، تمام یا بخشی از وسایل مورد نیاز زندگی را با نام جهیزیه، به خانه شوهر می برد. با توجه به عرف موجود و موقعیت خانوادگی یا اجتماعی طرفین، مقدار و نوع جهیزیه متفاوت است. با توجه به فرهنگ های متفاوت در کشورها، فراهم کردن جهیزیه، یا از مال خود زوج است، یا با گرفتن مبلغی به نام شیربها از خانواده زوج صورت می گیرد. در این نوشتار که به صورت کتابخانه ای تدوین شده، سنت تهیه جهیزیه، از جنبه های فقهی و حقوقی بررسی شده و نظرات فقها و حقوق دانان درباره آن بیان می شود.

واژگان کلیدی: جهیزیه، ابعاد فقهی، ایران، افغانستان، حقوق

۱. مقدمه

از نظر لغوی به نیازمندی یک شیء، جهاز گفته می شود. برای مثال، مردم می گویند جهاز مسافر، جهاز لشکر و جهاز میت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۴۳) بر این اساس، به نیازمندی عروس در خانه شوهر، جهاز گفته می شود.

بر اساس رسمی دیرینه، عروس وسایل زندگی را با خودش به خانه شوهر می برد. این رسم، پیشینه بسیاری داشته که در طول زمان، جزئیات آن تغییر کرده است. برای نمونه در مقدار، عدد، روش تهیه، مسئولیت تهیه و مالکیت آن، تفاوت هایی به وجود آمده است.

جهیزیه، سابقه تاریخی زیادی دارد. از قدیم، زمان ازدواج دختر، سهمی از دارایی پدر، به او داده می شد که همراه خود به منزل شوهر ببرد. وضعیت حقوقی جهیزیه در حقوق بنی اسرائیل، که چنانچه پدر به دختر جهیزیه بدهد، دیگر از پدر ارث نمی برد، موید این امر است. (امامی، ۱۳۷۴، ۴/۴۵۸)

اصل این رسم در کشور ایران و افغانستان، صورت عام و همگانی دارد، ولی تفاوت های اندکی در عمل کردن به این رسم در مناطق مختلف دیده می شود. خرده فرهنگ های جامعه، از نگاه فرهنگی و قومی به این سنت می نگرند و بنابر معیارها و باورهای خود، چشم انداز ویژه ای به این سنت دارند.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعة المصطفی العالمیه، افغانستان.

۲. جهیزیه از دیدگاه فقه امامیه و حنفی

۱-۲. مسئول تهیه جهیزیه

در اسلام، تهیه وسایل خانه که بخشی از نفقه واجب است، بر عهده شوهر بوده و زوجه هیچ مسئولیتی در این خصوص ندارد، حتی اگر افزایش مهر، به خاطر نیازمندی‌های زندگی مشترک انجام گرفته باشد؛ زیرا مهریه جزء اموال اختصاصی زوجه بوده و هیچ کسی در آن حقی ندارد. زوجه، مسئولیتی ندارد که از مهریه، برای تهیه جهیزیه هزینه کند، مگر آنکه رسم عرفی، آن را تقاضا کند، حتی اگر زوج شرط کند که جهیزیه از مال زوجه و یا پدر او باشد، این جهیزیه مال اختصاصی زوجه بوده و هیچ کسی اعم از زوج و غیر او، حقی در آن ندارد. بنابراین، زوجه اختیار دارد که از آن جهیزیه، برای همسر و مهمانش استفاده کند یا نکند، و در صورت امتناع، هیچ کسی حق ندارد او را اجبار کند. تنها در فقه مالکیه آمده است که مهریه، مال اختصاصی زوجه نیست و زوج حق دارد از جهیزیه اختصاصی همسرش، بر اساس رسم عرف استفاده کند. بر همین اساس از دیدگاه فقه امامیه و حنفیه نیز هیچ الزامی برای تهیه لوازم زندگی توسط دختر وجود ندارد (مغنیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۷).

در بسیاری از خانواده‌ها رسم است که زن و خانواده‌اش، تمام یا بخشی از اثاث مورد نیاز را تهیه کرده و به خانه شوهر ببرد. این کار با هدف ادخال سرور بر زوجه به مناسبت عروسی‌اش انجام میگردد. چنانکه در حدیثی به نقل از نسایی از امام علی علیه السلام نیز آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام جهیزیه مختصری شامل نیازهای اولیه زندگی تهیه کرد.

۲-۲. نظرات فقهای امامیه و حنفی

در فقه، بحث جداگانه‌ای درباره جهیزیه نشده؛ زیرا جهیزیه در ادبیات اسلامی، امری مستقل نیست، بلکه جزء نفقه زوجه بوده که مردان موظفند آن را بپردازند. تعبیر فقهی در این زمینه، اثاث البیت است. امام خمینی رحمته الله علیه در *تحریر الوسیله* مینویسد:

نفقه، شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که مرد به آنچه زن به آن احتیاج دارد، مانند غذا، خوراک، پوشاک، فرش، پرده، سکونت، خادم داشتن و وسایلی که بر آشامیدن و پختن و نظافتش و ... به آنها نیاز دارد، قیام کند. (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۱/۳)

امام خمینی رحمته الله علیه، حتی تعبیر اثاث البیت را نیز به طور مستقل نیاورده، بلکه در ضمن خوراک، پوشاک، مسکن و لوازم آنها آورده است. فقها بر مسئله نفقه زن تأکید داشته و معتقدند که نفقه زن، بر نفقه‌های دیگر نزدیکان مرد، مقدم است. (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۹) بنابراین،

شکی نیست که فقها، تهیه لوازم منزل را از وظایف مرد دانسته و برای زن هیچ وظیفه‌ای را بیان نمیکنند. حال که از نظر فقهی، تأمین اثاث خانه بر عهده مرد است، چه چیز سبب شده که زن، خود را موظف به تهیه جهیزیه کند؟

برخی از حقوق دانان، برای تبیین کارکرد جهیزیه، به اشتیاق زنان در کمک کردن به شوهر با هدف تأمین زندگی مشترک و ایفای نقش فعال در زندگی و مسئله سهم الارث زنان اشاره کرده‌اند. تأمین معاش خانواده بر عهده شوهر است، ولی زن نیز مایل است در این تلاش او را یاری کند. در تقسیم کار سنتی بین زن و مرد، زن به تنظیم امور خانه پرداخته و از کار خود درآمدی ندارد، پس ناچار باید مالی به همراه ببرد و به این ترتیب سهمی از این بار را به دوش کشیده و همسر را کمک کند. آوردن جهیزیه، نشانه صمیمت و مظهری از روح همکاری میان خانواده زن و شوهر است. از سوی دیگر، دختر خانواده نصف ارث می‌برد و دادن جهیزیه به او، راهی است برای تعدیل قانون ارث بین دختر و پسر. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۲۰۰/۱)

برخی دیگر، مسئله ارتباط متقابل مهریه و جهیزیه را مطرح کرده‌اند. فقهای امامیه و حنفیه اتفاق نظر دارند که مهر، حقی از حقوق زن و ملک اختصاصی اوست و هر تصرفی که بخواهد، می‌تواند در آن بکند. ماده ۱۰۸۲ ق.م.هم به این امر اشاره دارد. زن می‌تواند هبه کند، جهاز بخرد، برای خود نگه دارد و کسی حق مخالفت با او را ندارد. همه نیازهای زن مانند لباس و فرش و وسایل ضروری خانه، فقط به عهده زوج است و زن نسبت به تهیه آنها از نظر شرع، هیچ تعهدی ندارد؛ زیرا هر نوع نفقه، فقط بر عهده زوج است. (مغنیه، ۱۳۷۹، ۸۷/۲)

۳. دیدگاه حقوقی به جهیزیه و عناوین مربوط به آن

در قوانین ایران، جهیزیه تعریف نشده و آن را جزء نفقه می‌دانند. در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی آمده است: «نفقه، عبارت است از مسکن و البسه و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا». در قانون مدنی افغانستان نیز تعریف خاصی از جهیزیه نشده و آن را جزء نفقه می‌داند، اما قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان در ماده ۱۲۱ میگوید:

جهیزیه، اثاثیه منزل، البسه و اشیایی است که زوجه از دارایی خود یا پدرش به منزل مشترک می‌آورد و انتفاع زوج از جهیزیه زوجه، تبرعی نیست، مگر اینکه زوجه یا عرف، تبرعی بودن آن را تأیید کند.

بر اساس عرف نیز می‌توان آن را اینگونه تعریف کرد: «آنچه از اثاث البیت، یعنی وسایل و لوازم

زندگی خانگی، که زن با خود به خانه شوهر می‌برد». ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی ایران، به زن استقلال مالی داده، اما از جهیزیه به طور خاص، ذکری به میان نیاورده است. بنابراین، با استناد به این ماده قانون، مبنی بر استقلال مالی زن که قانونگذار آن را به رسمیت شناخته، می‌توان حکم کرد که زن، مالک جهیزیه‌ای است که با خود به خانه شوهر می‌برد. در هر حال، از زمانی که جهیزیه به خانه مشترک زوجین انتقال می‌یابد، در مالکیت زن قرار می‌گیرد. بنابراین، زن مالک جهاز است و شوهر هیچگونه مالکیتی بر جهیزیه ندارد، حتی اگر این جهیزیه با پول مهریه تهیه شده باشد؛ زیرا مهریه، مال خالص زن است و آوردن جهیزیه به خانه شوهر، به معنای انصراف زن از مالکیت یا شریک کردن شوهر در آن نیست. پس حق مالکیت زن باقی می‌ماند، ولی شوهر نیز از منافع آن بهره‌مند شده و میتواند از آنها به طور متعارف استفاده کند. (شفق، ۱۳۸۸، ص ۹۲)

انتقال جهیزیه به خانه مشترک به مفهوم شریک شدن مرد در مالکیت جهیزیه نیست. حق مالکیت زن همواره باقی است و شوهر فقط می‌تواند تا زمانی که زن راضی است و استرداد جهیزیه را مطالبه نکرده، از منافع آن بهره‌مند شود و از آنها به طور متعارف کند. این حق، یکی از آثار استقلال مالی زن است و این تأکید نشانه آن است که اموال و دارایی‌های زن و شوهر بعد از ازدواج، با مرزهای معین از یکدیگر جداست و در نتیجه، زن یا مرد هر یک، حق دارند هر طور که صلاح بدانند، بدون اجازه و رضایت یکدیگر، در دارایی و اموال شخصی خودشان دخل و تصرف کنند. (مهرانگیز کار، ۱۳۸۰، ص ۲۶)

حقوق دانان، درباره اختیارات زن نسبت به جهیزیه می‌گویند:

از نظر حقوقی، آوردن جهیزیه نوعی اباحه تصرف بوده و هیچ حقی برای شوهر ایجاد نمی‌کند. بنابراین، هرگاه زن بخواهد، می‌تواند جهیزیه را به دیگری انتقال داده و یا به خانه پدری بازگرداند. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ص ۲۰۰)

۳-۱. تنظیم روابط مالی میان زوجین

در حقوق ایران، استقلال مالی زن و شوهر، محفوظ می‌ماند و در عالم اعتبار نکاح، هیچ اشتراکی در اموال ایجاد نمی‌کند. با این وجود، مخلوط شدن جهیزیه زن با اموالی که شوهر در دوران زندگی زناشویی تهیه میکند و وجود اموالی که گاه به اشتراک برای تأمین نیازهای خانواده خریده میشود، تنظیم روابط مالی آنان را دشوار می‌کند. اگر زن بخواهد، می‌تواند جهیزیه خود را از خانه شوهر به جای دیگر منتقل کند و شوهر موظف است جهیزیه‌اش را به او بازگرداند. البته برگرداندن جهیزیه هنگامی است که شوهر، این اموال را تحویل گرفته و از آن استفاده کرده باشد که در این صورت، شوهر باید جهیزیه را کامل برگرداند. اگر این اثاث البیت، از ابتدا دست خود عروس

بوده و با خود به همراه بیاورد و در خانه شوهر هم در اختیار او باقی بماند، شوهر در قبال جهیزیه مسئولیت ندارد. در برخی شهرها رسم است که صورتی از اقلام جهیزیه تهیه شده و وسایل جهیزیه با دریافت رسید، به داماد تحویل داده می شود. این رسید، گاهی به عنوان امانت بوده و گاهی عنوان امانت ندارد و تنها قبض رسید جهیزیه است.

اگر پس از تحویل به شوهر، میان زن و شوهر اختلافی به وجود بیاید که منجر به استرداد جهیزیه توسط زوج شود، باید جهیزیه به زوج مسترد شود. بدین ترتیب جهیزیه ای که در اختیار شوهر قرار می دهند از نظر عرفی، عاریه مضمونه است، یعنی زوج، حق استفاده از جهیزیه را به عنوان اثاث البیت، در زندگی مشترک خود با همسر و فرزندان دارد و ضامن عین آن است و در شرایطی که زن به برگرداندن آن تصمیم می گیرد، باید آن مقدار از جهیزیه را که باقی مانده است، پس دهد. اگر بعضی از اقلام جهیزیه را شوهر با زیاده روی یا کوتاهی در مصرف، تلف کرده یا بدون اذن زوج، فروخته باشد، بنابر نوع مورد، ضامن مثل یا قیمت یوم التلف آن خواهد بود و در کم شدن اقلام موجود بر اثر استفاده بسیار نیز ضامن است. (حبیبی تبار، ۱۳۸۰، ص ۲۵۰)

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است:

اول) جهیزیه ای که زن به منزل شوهر می برد، مورد استفاده آنان قرار می گیرد، پس روشن است که زن، اجازه انتفاع از آنها را به شوهر خود داده و نمی تواند به اتهام استفاده زوج از جهیزیه، شکایت کرده یا به علت استفاده از جهیزیه، اجرت المثل دریافت کند، مگر آنکه زوجین در این امر توافق کنند و یا زن، شوهر را منع کند که در این صورت، هرگاه شوهر استفاده کند، غاصب است. (امامی مهر، ۱۳۷۴، ۴/۴۵۹) اگر زن ثابت کند که شوهر، جهیزیه را به عمد و تقصیر تلف کرده، می تواند ضرر و زیان را مطالبه کند.

دوم) اگر شوهر، به نام بدهکار، ملزم به پرداخت دیون و جرایم قانونی به اشخاص ثالث باشد، در صورت اثبات زن مبنی بر اینکه اثاثیه خانه جزء جهیزیه اوست، طلبکاران نمی توانند این اثاثیه را به استناد احکامی که علیه زوج در دست دارند، تأمین، حراج و یا تملیک کنند. (مهرانگیز کار، ۱۳۸۰، ص ۳۰)

۳-۲. استرداد جهیزیه در صورت بروز اختلاف میان زوجین

استرداد، در لغت به معنی باز پس گرفتن است. (لنگرودی، ۱۳۸۹) جهیزیه، اصطلاح دیگر جهیز است به معنای مالی که زن، علی الرسوم در موقع ازدواج، با خود به منزل شوهر می برد و علاوه بر استفاده خود، به شوهر نیز اباحه انتفاع آن را می کند. این مال، در مالکیت زن خواهد ماند و شوهر

مالک آن نمی‌شود (لنگرودی، ۱۳۸۹).

استرداد جهیزیه، یعنی بازگرفتن مالی که زن، علی‌الرسوم در موقع ازدواج، به منزل شوهر برده است. گاهی زن و شوهر بر اثر اختلافی که با هم پیدا میکنند، جدای از هم زندگی می‌کنند. بعضی از مردها با استفاده از این اختلاف، سعی در حیف و میل کردن جهیزیه می‌کنند. بنابراین، زن می‌تواند قبل از حیف و میل کردن، جهیزیه را از شوهر پس گرفته و به خانه خود یا جایی که در آنجا زندگی می‌کند، انتقال دهد. برای این امر، نیاز است دادخواستی مبنی بر خواسته استرداد جهیزیه تنظیم شده و ارزش تقریبی آن را تقویم کند تا بتواند به اندازه مبلغ مورد نظر، تمبر باطل و قرار تأمین و توقیف اموال بلامعارض را صادر کند. در زمان ارائه دادخواست در دادگاه، باید فتوکپی مصدق رونوشت سند ازدواج و لیست اجناسی که تحویل زوج شده، یعنی لیست سیاهه، به امضای زوج رسیده باشد و بعد از برابر با اصل کردن، لیست مزبور ضمیمه پرونده شود. بعد از طی مراحل ثبت کل و ارجاع به شعبه، تعیین وقت شده و طرفین دعوت می‌شوند. پس از رسیدگی و اعلام ختم جلسه، قاضی رأی را صادر کرده و بر مبنای رأی صادره و اجرای آن توسط اجرای احکام، جهیزیه در اختیار زن قرار می‌گیرد. (اباذری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۹)

در همین درخواست، زن باید بخواهد تا دادگاه در وقت فوق‌العاده، تشکیل جلسه داده و قرار تأمین خواسته را صادر کند. پس از صدور قرار تأمین خواسته، زن می‌تواند با عضو مجری قرار، در خانه زوج حاضر شده تا مجری قرار، از جهیزیه صورت‌برداری کرده و اجناس، به شخصی به عنوان حافظ، به امانت سپرده شود تا دادگاه نسبت به استرداد جهیزیه، یعنی نقل و انتقال آن، حکم قطعی صادر کند. در این مرحله، موجبات حفظ جهیزیه فراهم می‌شود. حال اگر حافظ، خود شوهر باشد، چنانچه در جهیزیه دخل و تصرف کند، مانند امانتداری که در امانت خیانت کرده، مجازات می‌شود و محکوم به جبران خسارت وارده است.

بعد از این مراحل، دادگاه وقت رسیدگی تعیین کرده و طرفین را دعوت به حضور می‌کند. اگر مدافعات شوهر، فاقد مدارک و مستندات لازم باشد، دادگاه اقدام به صدور حکم کرده و زن، بر اساس همان صورتجلسه تأمین خواسته، مجاز به انتقال جهیزیه از خانه شوهر به هر مکانی است که انتخاب می‌کند، اما مشکل اصلی جایی است که سیاهه جهیزیه، با امضای زوج در دست نباشد. چون درباره اموال منقول و اثاث خانه، داشتن سند خرید و نگهداری آن امری نامتعارف است، اگر شوهر یا طلبکاران ادعا کنند که این اموال به مرد تعلق دارد و زن مدعی شود که مورد نزاع را به عنوان جهیزیه به خانه شوهر آورده، دادگاه سند یا شهادتی برای اثبات مالکیت نمی‌یابد

و ناچار باید به استناد ظواهر و امارات، حکم دهد که همان سیاهه جهیزیه است. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۲۰۲/۱)

در این صورت، اگر زن، فاکتورهای معتبر خرید و شهادت شهود و قبض بارکش های شهری را که ناقل جهیزیه به نشانی زوج بوده اند در اختیار داشته باشد، می تواند از این امکانات به عنوان قرائین، استفاده کند. هر چند این امکانات، جای سیاهه معتبر را نمی گیرد. زن، باید خواسته استرداد جهیزیه تنظیم کند، یعنی جهیزیه در معرض حیف و میل، جابه جایی و تعویض است. در صورت موافقت دادگاه و صدور قرار تأمین خواسته، مانند مرحله قبل، زن با عضو مجری قرار همراه شده، به خانه زوج رفته، از جهیزیه صورتبرداری کرده و اموال را به حافظ بسپارد. اگر شوهر ادعا کند که تمام یا بخشی از جهیزیه متعلق به شخص اوست، شانس موفقیت در این راه بسیار کم میشود، ولی اگر زوج از اثبات ادعای مالکیت بر جهیزیه عاجز باشد، زن به خواست خود خواهد رسید. (مهرانگیز کار، ۱۳۸۰، ص ۲۷-۲۸)

در اینگونه دعاوی، تمیز مدعی از مدعی علیه، اهمیت زیادی دارد؛ زیرا اثبات دعوی، با مدعی است و اگر نتواند دلیل قانع کننده ای به دادگاه ارائه کند، محکوم می شود، در حالی که مدعی علیه، نقش دفاعی دارد. برای تمیز مدعی، دادگاه در مرحله نخست، باید به عرف و عادت و اوضاع و احوال توجه کند. در جایی که رسم است تمام اثاث منزل را زن، به عنوان جهیزیه به خانه شوهر ببرد، به خصوص جایی که مدت طولانی از نکاح نمی گذرد و زن نیز ثروتمند است، باید شوهر را مدعی شمرده و از او دلیل خواست. در موردی هم که زن، از خانواده ثروتمندی نبوده و دعوی درباره اشیای گرانبهایی است که زن به طور معمول توانایی تهیه آنها را ندارد، یا از تاریخ وقوع نکاح چندان می گذرد که بقای مال مورد نزاع بعید به نظر می رسد، باید زن را مدعی به حساب آورد. در جایی که قرائین خارجی وجود ندارد، باید از اماره تصرف یاری خواست. برای مثال، اگر مالی مورد استفاده اختصاصی یکی از زوجین قرار گیرد، تصرف او بر مال، قوی تر از دیگری است و اماره بر مالکیت متصرف قرار می گیرد.

ماده ۷۹ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، در موردی که طلبکاری یکی از زوجین، برای توقیف اموال او به محل سکونت مشترک آنها رجوع می کند، این ادعا را پذیرفته است. در این ماده آمده است که:

هرگاه متعهد، یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می کنند، از اثاث البیت، آنچه که عادتاً مورد استعمال زنانه است، ملک زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مردانه است، ملک شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهد شد، مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود.

در ماده ۱۲۱ قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان نیز گفته شده است:

اگر زوج یا طلبکاران وی، ادعا کنند که مال خاصی به زوج تعلق دارد، ولی زوج مدعی است که آن جزء جهیزیه اوست، در صورت ذوالید بودن یکی، دیگری باید خلاف آن را ثابت کند، ولی اگر هر دو ذوالید یا هیچکدام ذوالید نباشد، مسئله در باب تداعی داخل شده و هر کدام محتاج به اقامه دلیل میشوند.

با توجه به نظرات فقهی مشترکی که در اینباره بین فقه امامیه و حنفی وجود دارد، آن مالی که فقط مخصوص مردان است، در صورت بروز اختلاف قول مرد، البته با سوگند مقدم است. مگر آنکه بینه‌ای وجود داشته باشد بر اینکه آن مال از آن زوج است. در مورد مالی که مخصوص زنان است نیز همین نظر وجود دارد مگر اینکه بینهای دال بر مالکیت زوج وجود داشته باشد. در مورد مالی که زوجین می‌توانند به صورت مشترک استفاده کنند مثل فرش، پرده و سایر وسایل منزل، از نظر امامیه، این اموال را به کسی می‌دهند که بینه بیاورد و در صورت عدم وجود بینه، هر دو سوگند یاد میکنند که این مال، مال او بوده و پس از تحالف، مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود. اگر یکی قسم بخورد و دیگری امتناع ورزد، مال را به کسی می‌دهند که قسم خورده است، اما ابوحنیفه و شاگردش محمد معتقدند که در هر مالی که برای هر دو قابل استفاده باشد، قول زوج مقدم است. (مغنیه، ۱۳۷۹، ص ۸۸)

بنابراین، باید دانست که دلالت عرف بر اختصاصی بودن اموال نیز، تنها به عنوان حکم ظاهر و اماره داشتن تصرف اضافی پذیرفته می‌شود، پس هرگاه ثابت شود که شوهر، هیچگونه تصرفی بر مالی که مورد استفاده مردان قرار میگیرد و در اقامتگاه مشترک آنان است، ندارد و برعکس، زن آن را در اطاق یا صندوق اختصاصی خود می‌گذارد است، نمی‌توان چنین مالی را ملک شوهر دانسته و زن را مدعی شمرد. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۲۰۴/۱) بنابراین، برای حفظ حقوق قانونی دختر، باید خانواده‌اش همزمان با انتقال جهیزیه به خانه مشترک، سیاهه‌ای را به دقت تنظیم کرده و به امضای زوج برسانند تا در صورت بروز اختلافات خانوادگی، استرداد جهیزیه ممکن باشد.

در سیاهه، باید نوع و جنس هر قلم کالا به دقت نوشته شود. در غیر این صورت، هرگاه برای مثال فرش دستبافت با فرش ماشینی معاوضه شود، نمی‌توان مدرک قانع‌کننده‌ای به دادگاه ارائه کرد. مراجع قضایی کشور، باید سردفتران و عاقدان را مکلف کنند تا هنگام جاری عقد نکاح، سیاهه جهیزیه را فی‌المجلس به امضای زوج برسانند و امضا را گواهی کنند. در غیر این صورت، پرهیز خانواده‌ها از تنظیم سیاهه که به دلیل نگرانی از به هم خوردن روابط خانواده‌هاست، ممکن است به تضییع حقوق زن در آینده منجر شود. (مهرانگیز کار، ۱۳۸۰، ص ۲۹)

۳-۳. اختلاف در بقای جهیزیه و مسئولیت شوهر

در صورتی که در زمان عقد، صورت کاملی از جهیزیه زن تهیه شده و به امضای شوهر رسیده باشد، ولی در نتیجه انحلال نکاح یا به دلایل دیگر، زن تصمیم دارد که از خانه شوهر برود، به استناد صورت جهیزی که در دست دارد، می تواند آن اموال را از مرد مطالبه کند. در این فرض، آیا شوهر را باید ملزم به رد عین جهیز کرد و در صورت تلف عین، به تأدیه مثل یا قیمت آنها محکوم ساخت یا دادن رسید جهیز برای صدور چنین حکمی کافی نیست؟ طبق قانون، چون شوهر، با امضای خود، امین متعهد به نگهداری از اموال زن شده، باید مالی را که به او سپرده شده، در صورت مطالبه مالک، به او رد کند. (مواد ۶۱۹ و ۶۲۰ ق.م) در صورت تردید نسبت به تلف یا بقای این اموال، چون اصل بقای آنهاست، باید شوهر را مدعی شمرد و اگر او نتواند تلف جهیزیه را ثابت کند، باید محکوم به رد آن شود.

از سوی دیگر، زن در نتیجه حق مالکیتی که بر جهیزیه دارد و شوهر به دلیل اباحه تصرفی که به دست آورده، این اموال را استفاده می کنند و استعمال مستمر، اثاث خانه را فرسوده کرده و از بین می برد. به این ترتیب، چگونه میتوان به استناد صورت جهیزی که به امضای زوج رسیده، او را محکوم به حفظ یا رد این اموال دانست؟ دیوان کشور در رأی شماره ۱۳۶۶-۱۱۸۲ اعلام می کند:

داشتن قبض رسید جهیزیه از زوج، به تنهایی برای حق مطالبه کافی نیست، بلکه باید زوجه ثابت کند که جهیزیه باقی در منزل زوج است و اثر قبض و رسید، فقط همین است که با بقای عین جهیزیه، زوج نمی تواند بدون وجود ناقل جدیدی نسبت به آن دعوی مالکیت کند.

بنابراین، دادگاه باید در هر دعوی، به تمام قرائین کار توجه کرده و به تناسب مورد، تصمیم شایسته بگیرد. (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ۲۰۴/۱) ذیل ماده ۱۲۱ قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان نیز چنین آمده است: «هرگاه یکی از زوجین، مدعی تلف شدن جهیزیه باشد و دیگری منکر آن، مدعی تلف باید ثابت کند، در غیر این صورت، قول منکر با قسم مدار حکم قرار میگیرد».

۴-۳. شیریه

در مورد شیریه، در ایران و افغانستان، رسوم گوناگونی وجود دارد. بعضی آن را حق مادر به لحاظ شیردهی می دانند و برخی حق پدر به لحاظ مخارجی که تحمل کرده است. به طور مسلم، آنچه را که زوج زائد بر مهریه به نفع پدر یا مادر به زوجه میدهد، در قالب صورت های زیر می توان تصور کرد: اول) به صورت وجهی که در اختیار خانواده عروس قرار داده می شود تا برای داماد از طریق

تهیه جهیزیه مسترد شود که به شکل امانت قابل تصور است. این نظر، با توجه به اینکه جهیزیه آورده شده از طرف زوجه قابل استرداد است، جای سؤال و تردید دارد.

دوم) به عنوان جعاله برای انجام یک عمل مباح، یعنی این وجه به پدر یا مادر یا بستگان زوج برای انجام برخی مقدمات عروسی پرداخت شود، که در این صورت، این شیربها مباح خواهد بود. در صورت انجام عمل مورد نظر توسط طرف قرارداد در جعاله، طرف دیگر مستحق اجرت است و دهنده مال، حق بازپس‌گیری آن را ندارد. (حبیبی تبار، ۱۳۸۰، ص ۲۵۲)

سوم) به صورت وکالت باشد، یعنی خانواده عروس وکیل باشند که برای شوهر، اقلامی از وسایل و اثاث‌البیت را به سلیقه خود خریداری کنند. در این صورت نیز آنچه خریداری می‌شود، متعلق به زوج خواهد بود. اقلامی که توسط زوجه به عنوان جهیزیه آورده می‌شود، چه از طریق شیربها خریداری شود و یا چیزی باشد که پدر و مادر، اضافه بر شیربها خریداری می‌کنند، در داخل سیاهه از داماد امضاء گرفته و طبق لیست هم مسترد می‌کنند.

شکل‌های دیگری در شیربها قابل تصور است که هر یک به شکلی با قواعد عمومی قراردادها و یا قالب‌های مطرح شده در هبه معوض، هبه غیرمعوض، عاریه، امانت، تملیک مجانی، جعاله، وکالت در تعارض و غیرقابل توجیهی حقوقی است. بهترین شکلی که مسئله شیربها را توجیه می‌کند، شیربها را جزئی از مهریه حال دانستن است. بدین شکل، مبلغی را به عنوان مهریه برای زوجه به صورت حال در نظر گرفته و خانواده عروس از آن مهریه برای تهیه جهیزیه استفاده می‌کنند. در این صورت، جهیزیه از طرف زوجه قابل استرداد است. این فرض نسبت به فرض‌های دیگر، بلاشکال است، ولی آنچه با این مال تهیه می‌شود، تابع احکام راجع به مهریه است. (اباذری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰)

۳-۵. هدایای عروسی

مسئله دیگر این است که بستگان و آشنایان طرفین، برای عروس و داماد پس از عروسی یا زمان جشن، هدایایی تهیه کرده و برای آنها می‌آورند. بعضی از مناطق، این هدایا را برای کمک به عروس و داماد می‌دهند تا آنان از این طریق بتوانند زندگی تازه‌ای را تشکیل دهند. در بعضی از مناطق، این هدایا را برای کمک به والدین عروس و داماد می‌دهند تا هزینه‌ای را که تحمل کرده‌اند، تا حدی مرتفع شود. بعضی از مناطق، هدیه دو طرف را به عروس می‌دهند. با این اوصاف، آنچه از مباحث نتیجه‌گیری می‌شود این است که کلیه هدایایی که بستگان عروس می‌آورند، به عروس تعلق می‌گیرد و آن هدایایی را که بستگان داماد می‌آورند، به داماد تعلق می‌گیرد، اما در مورد آنچه

که بستگان و دوستان مشترک عروس و داماد می‌آورند، بالمناصفه به هر دو طرف تملیک و تعلق می‌گیرد. در واقع، حکم مسئله هدایای عروسی با حکم مسئله هدایای نامزدی، یکسان است و مواد ۱۰۳۷ و ۱۰۳۸ قانون مدنی بیانگر این حکم خواهد بود. (اباذری فومشی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

۴. الگوی جهیزیه در اسلام

بدون شک، بهترین اسوه و الگو برای زنان مسلمان، زندگی و منش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) است. جهیزیه این بانوی بزرگوار در تاریخ ثبت شده و زنان مسلمان میتوانند این جهیزیه را الگو قرار دهند و توجه کنند که این جهیزیه، از آن دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و همسر دلاورترین مرد گیتی بوده است. جهیزیه این بانوی بزرگوار عبارت بود از یک پیراهن سفید، یک روسری بزرگ، یک حوله سیاه خیبری، یک تختخواب که از پوست خرما بافته شده بود، دو عدد تشک کتانی که یکی از پشم گوسفندی و دیگری از لیف خرما پر شده بود، چهار عدد بالش از پوست میش که از گیاهی به نام اذخر پر شده بود، یک قطعه حصیر هجری، یک عدد آسیای دستی، یک کاسه مسی، یک مشک چرمی برای آب کشی، یک تشت لباسشویی، یک عدد کاسه برای شیر، یک ظرف آبخوری، یک پرده پشمی، یک آفتابه، یک سبوی گلی، دو کوزه سفالین، یک عدد پوست برای فرش و یک عبا. (امینی، بی تا، ص ۷۸)

نکته ای که باید در این زمینه به آن توجه کرد این است که همه مورخان گفته اند در آن زمان، جهیزیه آن بانوی بزرگوار بسیار ساده بوده و به حداقل امکانات زندگی بسنده کرده بودند، با اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) اگر می خواست، می توانست جهیزیه بسیار مناسب تری برای دختر گرامی خود تهیه کند. پس آنچه باید در تهیه لوازم زندگی رعایت شود، توجه به ضرورت و در عین حال سادگی آن است؛ زیرا بالا بودن هزینه لوازم خانگی، یکی از عوامل به تأخیر افتادن ازدواج دخترانی است می خواهند جهیزیه گران قیمتی به همراه داشته باشند.

نکته مهم دیگر اینکه مردان نیز توقع خود را از جهیزیه پایین بیاورند و بدانند که جهیزیه، فقط همیاری و کمک زن و خانواده اوست و در این موضوع، وظیفه یا تکلیف خاصی بر عهده زن نیست. متأسفانه در عرف، این یک باور قطعی شده که خانواده دختر موظفند بخش زیادی از وسایل زندگی داماد را فراهم کنند و خانواده مرد بر اساس سنتهای نادرست، توقع بسیار بالایی در این زمینه دارند. در الگوی جهیزیه اسلامی، چند نکته مهم وجود دارد که عبارتند از:

- تهیه لوازم خانه به عهده مرد است.

- خانواده دختر می تواند در تهیه لوازم منزل جوانانی که تازه زندگی را شروع کرده اند، به آنان

کمک کند.

- مردان حق ندارند جهیزیه سنگین از زن بخواهند.

سؤالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که آیا جهیزیه در حال حاضر باید بدون کم و کاست همان چیزهایی باشد که جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام بوده و یا اینکه باید شرایط زمانی و مکانی را در نظر گرفت؟ دین اسلام همه شرایط زمانی و مکانی، حتی شرایط فردی را در نظر می‌گیرد. معیار کلی درباره جهیزیه مانند جایگاه زن، وضعیت اقتصادی مرد و وضع خانوادگی دو طرف باید در نظر گرفته شود و نباید تجمل پرستی رواج یابد. طبیعی است که زن، نیازهای ویژه‌ای دارد و میتواند به تناسب پایگاه اجتماعی خود، آنها را برآورده کند. این موضوع را خواست مشترک دو همسر و واقعیت‌های اجتماعی و سنت‌ها و نیازها و روش‌های تأمین آنها تعیین می‌کند که انسان چه بپوشد و چگونه خود را بیاراید و چه چیزی را به مردم هدیه بدهد.

۵. نتیجه‌گیری

خانواده، شخصیت حقوقی مستقل ندارد و کسی به نام این گروه نمی‌تواند تصمیم بگیرد. اعضای آن از آزادی و ملکیت و هر چه بوی اختصاص و خودپرستی دهد، می‌گذرند تا کانونی بر مبنای تعاون به وجود آورند. با این حال، مشخص بودن محدوده مالکیت در اموال میان زوجین، اهمیت زیادی دارد تا در صورت بروز اختلاف، مشکلات کمتری داشته باشند. از نظر حقوقی، آوردن جهیزیه، نوعی اباحه تصرف است و هیچ حقی برای شوهر ایجاد نمی‌کند و هرگاه زن بخواهد، می‌تواند جهیزیه را به دیگری انتقال دهد یا به خانه پدری برگرداند، ولی از جهت اخلاقی، زن این اموال را به خانواده اختصاص میدهد تا صرف نیازهای افراد آن شود. بعضی از خانواده‌ها نیز برای پیشگیری از نزاع، صورتی از جهیزیه زن را به امضای شوهر می‌رسانند و در واقع از او سند می‌گیرند. هر چند این کار در ابتدای امر دور از نزاکت به نظر برسد، ولی با توجه به مسائل و مشکلاتی که ممکن است بعداً پیش آید، این کار ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

۱. ابابذری قومشی، منصور (۱۳۸۵). نحوه عملی رسیدگی به دعاوی خانوادگی در محاکم و دادسراها. تهران: انتشارات خرسندی.
۲. ابن منظور محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۳. امامی، حسن (۱۳۷۴). حقوق مدنی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
۴. امینی، ابراهیم (بی‌تا). بانوی نمونه اسلام. قم: دارالتبلیغ الاسلامی.
۵. حبیبی تبار، جواد (۱۳۸۰). گام به گام با حقوق خانواده. تهران: نشر خرم.

۶. خمینی، روح الله، (بی تا)، *تحریر الوسیله*. ترجمه علی اسلامی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: شرکت انتشار.
۸. لنگرودی، جعفر (۱۳۸۹). *وسیط ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش.
۹. مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۹). *الفقه علی المذاهب الخمسه*. ترجمه جباری، مصطفی،. مسجدرائی، حمید. تهران: ققنوس.
۱۰. کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). *کدام حق کدام تکلیف*. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
۱۱. نظری، جمعه علی (۱۳۸۹). *قانون احوال شخصیه اهل تشیع افغانستان*. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۱۲. نیکویان، امیر (۱۳۹۳). *قانون مدنی*. قم: پیام نوآور.
۱۳. *قانون مدنی افغانستان* (بی تا) افغانستان، کابل، [بینا].